

Evaluation of the Effectiveness of Moral Growth Components on moral Education of High School Students (Case Study: Education of Mazandaran Province)

ARTICLE INFO

Article Type
Analytical Review

Authors

Fatemeh Mosadeghi Nik¹,
Javad Soleimanpour*²,
Mahnaz Jalalvandi³

Mosadeghi Nik F, Soleimanpour J, Jalalvandi M. Evaluation of the Effectiveness of Moral Growth Components on moral Education of High School Students (Case Study: Education of Mazandaran Province). *Islamic Life Style*. 2021; 55-62

1. PhD Student, Department of Philosophy of Education, Arak Branch, Islamic Azad University, Central, Iran
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Mazandaran, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Educational Management, Arak Branch, Islamic Azad University, Central, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: Javadsoleimanpour4520@iran.ir

Article History

Received: 2020/12/21

Accepted: 2021/03/01

ePublished: 2021/03/15

ABSTRACT

Purpose: The aim of this study is to identify the effective components of moral growth and explain the contribution of each of the components affecting the moral education of high school students in Mazandaran province.

Material and Methods: The present study is applied in terms of purpose and descriptive in terms of method in the research group. In order to collect information from two documentary methods (libraries and dissertations, Internet sites) and field (distribution and completion of a researcher-made questionnaire) by referring to the study area and by sample people. The statistical population of the study includes all principals and teachers working in education (15,156 people) and all experts and specialists of universities in Mazandaran province in the sub-fields of educational sciences (75 people). The size of the statistical population based on the Krejcie-Morgan table among teachers and education experts was 320 people and the number of specialists working in universities of Mazandaran province was 59 people by random-stratified random sampling method. Analysis of research data in the qualitative part with the help of Delphi method and in the quantitative part includes heuristic factor analysis with the aim of finding latent variables and confirmatory factor analysis by fitting the final model.

Findings: Findings from data analysis show; all components of research have a positive and significant effect on the growth of student's moral education.

Conclusion: Based on the results of the present study; the component of wisdom with a coefficient of 83.8% has the most impact and the component of rationalism with a factor of 4.7% has the least impact on the moral education of high school students

Keywords: ethics, moral growth, high school students, moral education, education of Mazandaran province

بررسی میزان اثربخشی مؤلفه‌های رشد اخلاقی بر

تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه (مطالعه

موردی: آموزش و پرورش استان مازندران)

فاطمه مصدقی نیک^۱

دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران.

جواد سلیمانپور^{۲*}

استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).

مهناز جلالوندی^۳

استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران.

چکیده

هدف: هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار رشد اخلاقی و تبیین سهم هر یک از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه استان مازندران است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش در گروه پژوهش توصیفی-زمینه‌یابی است. به‌منظور گردآوری اطلاعات از دو روش اسنادی (کتابخانه‌ها و پایان‌نامه، سایت‌های اینترنتی) و میدانی (توزیع و تکمیل پرسش‌نامه محقق ساخته) با مراجعه به منطقه مورد مطالعه و توسط افراد نمونه، اقدام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران و معلمان شاغل در آموزش و پرورش (۱۵۱۵۶ نفر) و کلیه کارشناسان و متخصصان دانشگاه‌های استان مازندران در رشته‌های زیرمجموعه رشته علوم تربیتی (۷۵ نفر) می‌باشند. حجم جامعه آماری بر اساس جدول کرجسی-مورگان در بین معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش ۳۲۰ نفر و تعداد متخصصان شاغل در دانشگاه‌های استان مازندران ۵۹ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در بخش کیفی با کمک روش دلفی و در بخش کمی شامل تحلیل عاملی از نوع اکتشافی به هدف پیدا کردن متغیرهای مکنون و تحلیل عاملی تأییدی با برازش مدل نهایی است.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد؛ کلیه مؤلفه‌های پژوهش دارای اثر مثبت و معناداری بر رشد تربیت اخلاقی دانش‌آموزان برخوردارند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش حاضر، مؤلفه حکمت با ضریبی معادل ۸۴/۸ درصد بیشترین تأثیر تأثیرگذاری و مؤلفه عقل‌گرایی با ۴/۷ درصد از کمترین تأثیر تأثیرگذاری بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه برخوردار است.

کلید واژه‌ها: اخلاق، رشد اخلاقی، دانش‌آموزان دوره متوسطه، تربیت اخلاقی، آموزش و پرورش، مازندران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

* نویسنده مسئول: Javadsoleimanpoor4520@iran.ir

مقدمه

تربیت، عبارت است از فراهم‌سازی مجموعه‌ای از امکانات و شرایط مساعد رشد همه جانبه و شکوفاسازی آن‌ها در ابعاد جسمانی، شناختی و عقلانی، اجتماعی و عاطفی در افراد انسانی است (۱). تربیت اخلاقی برنامه‌ریزی برای رشد اخلاق متربیان، دانشجویان و دانش‌آموزان در جهت مطلوب اسلام است. تربیت اخلاقی مستلزم فراهم کردن زمینه‌های آموزشی و پرورشی خاص برای شکوفایی و تثبیت یک سلسله ارزش‌های اخلاقی فطری است که انسان از آغاز تولد با خود به همراه دارد (۲). هر رویکرد تربیت اخلاقی بر مجموعه مبانی فلسفی از جمله در باب انسان-شناسی متکی است (۳). ملاک‌های تربیت اخلاقی متناسب با علائق، شرایط متعدد و متنوع ارزیابی می‌شود و اخلاق را امری محلی و خاص می‌دانند. انحطاط تربیت اخلاقی معلول این امر است که در تربیت اخلاقی به مراحل رشد اخلاقی توجه خاصی نشده است، یا اگر توجهی شده بر اساس ملاک‌های مادی نگاه شده است (۴).

یکی از مهمترین مسائل انسان‌شناسی این است که، آیا مسیر و غایت مشخص و از پیش تعیین‌شده‌ای برای حرکت انسان در مسیر اخلاق وجود دارد؟ پذیرش یا رد وجود پایه‌های فطری برای اخلاق، هم در اخلاق نظری و هم در تربیت اخلاقی تأثیر مستقیمی دارد. مسأله اصلی این است که آیا انسان استعداد‌های اخلاقی خاصی دارد و تربیت باید زمینه شکوفایی و پرورش همان استعدادها را فراهم آورد و یا هرگونه ارزش‌گذاری توسط آدمی، ارزشمند و صحیح تلقی می‌شود و وظیفه تربیت اخلاقی نیز زمینه‌سازی و کمک به متربیان است تا بسته به باورها و تمایلات متفاوت خویش، معیارها و ارزش‌های اخلاقی مطلوب خویش را خودشان بسازند (۵). از سویی تربیت اخلاقی شاره‌راه بی‌گیری از آسیب‌های روانی اجتماعی و همچنین، ریشه تمامی اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفاسد و ناهنجاری‌های جوامع است. به همین دلیل، ارتقای اخلاق‌مندی در جامعه از جمله آرمان‌های بزرگ و دیرپای بشری، و در طول تاریخ مورد توجه مکاتب گوناگون بشری و الهی بوده است. همچنین تربیت در خانواده، مهم‌ترین و اساسی‌ترین جنبه زندگی است و تربیت اخلاقی غایت آن است. مشخصه جامعه سالم و توسعه‌یافته، جامعه‌ای است که دارای نظام تعلیم و تربیت پویا با نشاط، زنده و مترقی است. چنین نظامی می‌تواند انسان‌های آزاد، مستقل، اخلاقی، و مبتکر بسازد که جامعه را به سامان مادی و تعالی معنوی برساند (۶). جامعه امروز بشر دچار بحران هویت معنویت و اخلاق شده است. از این‌رو، امروزه نیاز بشر به تزکیه و پرورش، به مراتب بیش از نیاز او به تعلیم و آموزش است. بی‌شک یکی از اهداف تأسیس آموزشگاه-های رسمی (مدارس) کشور، تربیت اخلاقی دانش‌آموزان است و این مراکز سهم مؤثری در شکوفایی استعدادها، بروز خلاقیت و تربیت اخلاقی آنها دارند که در سایه آگاهی و بصیرت حاصل می‌شود (۳). نهاد آموزش و پرورش، که یکی از گسترده‌ترین نهادهای اثرگذار و جهت‌دهنده در همه کشورهاست، با توجه به مخاطبان فراوان و مستعدی که دارد و با توجه به رسالت‌های آموزشی و پرورشی خود، باید برنامه تربیت اخلاقی را جزء اصلی‌ترین و محوری‌ترین مسائل آموزشی و تربیتی خود قرار دهد (۷). امروزه یکی از دغدغه‌های موجود در نظام‌های آموزشی، چگونگی تربیت اخلاقی است. مسئولان و برنامه‌ریزان، به دنبال راه کار عملی برای حل این مشکل هستند. به نظر می‌رسد «برنامه درسی»، در این زمینه می‌تواند نقش هماهنگ‌کننده همه عوامل دخیل در تربیت را ایفا نموده، کارساز باشد (۵). برنامه درسی از

حسینی (۱۱)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی»، وضع موجود برنامه درسی تربیت اخلاقی را به طور کلی آشفته دانسته اما در مؤلفه چستی تربیت اخلاقی بر رویکرد فضیلت‌گرای دین‌ورزانه تأکید داشته است. کهنوجی (۶)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل ابعاد تربیت اخلاقی در رفتار اعضای هیأت علمی دانشگاه» نشان داد که نتایج تحلیل محتوا نشان‌دهنده این مهم هستند که برخی اساتید علی‌رغم، آمادگی، دانش و معلومات کافی در فرآیند یاددهی، نمی‌توانند رضایت درونی لازم را از عمل تدریس خود داشته باشند. یارمحمدیان و همکاران (۱۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی رویکردهای تربیت معنوی با توجه به مؤلفه‌های برنامه درسی در چند کشور جهان» نشان از وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های شایان توجهی میان اهداف، محتوا و روش‌های تدریس در کشورهای مورد مطالعه بود. میلر (۱۳)، در پژوهشی با عنوان «رویکرد تربیت معنوی» به بررسی دو مؤلفه عقل‌محوری و ایمان‌محوری پرداخته و نگاهی جامع‌تر نسبت به انواع متنوع تعالیم معنوی دارد. نهر (۱۴)، تحقیقی با عنوان «تربیت اخلاقی در آموزشگاه پرداخت و همچنین تکوین و تحول قضاوت اخلاقی» یکی از اهداف اساسی در محیط‌های آموزشی را تربیت اخلاقی فراگیران بیان نموده است. میلر و همکاران (۱۳)، پژوهشی با عنوان «یادگیری کل‌نگرانه و معنویت در آموزش» معنویت در برنامه درسی را ابزاری می‌داند که حس حیرت و شگفتی را در دانشجویمان مجدداً بیدار می‌کند و این امر می‌تواند حس ارتباط با جهان را در آنها تشدید کند. هیم بروک (۱۵)، در پژوهشی با عنوان «رابطه تربیت معنوی با تربیت اخلاقی از منظر صاحب‌نظران» اشاره می‌کند که تربیت اخلاقی و تربیت دینی از ضرورت‌های تکامل تربیت معنوی هستند و به‌عنوان ابعاد مهم تربیت معنوی باید لحاظ شوند.

ارزش‌های تربیت اخلاقی در کل زندگی افراد نفوذ دارند، به طوری که می‌توان گفت مقاصد، محتوا و روش‌شناسی تربیت بر مبنای آن‌ها بیان می‌شود. اما متأسفانه با وجود اهمیت اخلاقیات در زندگی و به‌رغم این‌که تربیت شایسته‌ی قرن حاضر را تربیت اخلاقی دانسته‌اند. در سال‌های اخیر، این بعد تربیتی دست‌خوش تغییرات عمده‌ای شده است؛ در نتیجه افزایش اعمال غیر اخلاقی، بزه‌کاری و جنایت، لزوم بازگشت به اخلاقیات و ارزش‌ها مطرح گردید و تربیت شایسته قرن حاضر، تعلیم و تربیت اخلاقی قلمداد شد. اما با وجود تلاش فراوان مربیان در جهت توسعه مباحث اخلاقی، خلأهای بسیاری در برنامه‌های تربیت اخلاقی در سراسر نظام‌های تربیتی جهان به چشم می‌خورد (۱۶). نظام تربیتی حاکم بر جامعه کنونی ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و در حالی که اخلاق در فلسفه‌ی اجتماعی-سیاسی ما نظامی دقیق و فراگیر در رفتار انسان داشته و تنظیم‌کننده انگیزه‌ها و اهداف اوست، رفتارهای ضداخلاقی همچنان مدام به چشم می‌آیند، رجوع به آمارهای موجود در زمینه آسیب‌های اجتماعی، گواهی بر این مدعاست. با در نظر گرفتن ضرورت‌های رشد تربیت اخلاقی است که انتظارات زیربنای نسبت برنامه درسی نظام آموزشی وجود دارد. به همین دلیل این پژوهش در پی آن است تا مؤلفه‌های رشد اخلاقی مؤثر بر تربیت اخلاقی در دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه را بر اساس یک مطالعه موردی در آموزش و پرورش استان مازندران بررسی نماید. بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های رشد اخلاقی بر تربیت اخلاقی و تبیین سهم هر یک از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه پرداخته می‌باشد.

اساسی‌ترین و مهم‌ترین موضوعات و مسائل آموزش و پرورش رسمی به شمار می‌رود و باید پایه اصلی تعلیم و تربیت دانست و به نظر می‌رسد کیفیت آموزش و پرورش یک جامعه را از روی محتوای برنامه تحصیلی آن در مقاطع مختلف، ارزیابی می‌کنند. «برنامه درسی» به محتوای رسمی و غیررسمی، روش و آموزش‌های آشکار و پنهانی اطلاق می‌گردد که به وسیله آنها، شاگردان تحت هدایت مدرسه، دانش لازم را به دست آورند، مهارت کسب کنند و گرایش و ارزش‌ها را در خود تغییر دهند (۱). تربیت اخلاقی مستلزم فراهم کردن زمینه‌های آموزشی و پرورشی خاص برای شکوفایی و تثبیت یک سلسله ارزش‌های اخلاقی فطری است که انسان از آغاز تولد با خود به همراه دارد. با توجه به آیات اولیه سوره مبارکه شمس، نفس انسان، هم استعداد ترقی و تکامل، و هم استعداد سقوط و تنزل را دارد. انسان اگر نفس خود را تزکیه کند، رشد می‌کند و بارور می‌شود. اما اگر آن را «تدسیه» نماید، رو به ضعف و سستی رفته و فاسد می‌گردد (۲). بنابراین، با توجه به حضور فطری ارزش‌ها در انسان و با توجه به نقش و کارکردی که برای مدارس بیان شده است، برنامه‌ریزی برای چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی قابلیت‌های اخلاقی و همچنین توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی، به منظور نیل به فضایل عالی اخلاقی و دوری از رذیلت‌ها و نابود کردن آنها را برنامه درسی تربیت اخلاقی دانست. این برنامه‌ریزی شامل محتوای رسمی و غیررسمی، شیوه‌های تدریس، شیوه ارزشیابی و فضاهای تربیتی است که از طریق آن برای فراگیران، امکان شناخت توانایی‌های خویش و جهان هستی فراهم می‌شود و بر مبنای آن، فعالیت‌ها و استعدادها فطری خویش را هدفمند می‌سازند. از سویی متناسب کردن آموزش با تحول روان‌شناختی کودک یک ضرورت است. برنامه‌ریزان و مجریان، باید شرایطی را فراهم آورند که طی آن ارزش‌های اخلاقی ظهور پیدا کنند و موجب درونی شدن این ارزش‌ها شود. برای موفقیت در این راه، باید برنامه‌ها و روش‌ها را از نو سازماندهی کرد (۸). یکی از رسالت‌هایی که دست‌اندرکاران و تأثیرگذاران عرصه برنامه‌ریزی درسی دارند، تسهیل تفکر هدفمند و اختیاری در فراگیران است (۹). از سوی دیگر، اگر قصد داریم که ارزش‌های اخلاقی در رفتار افراد نمود پیدا کند و یک دگرگونی در فرد به وجود آید، باید نسبت به مسأله اعطای بینش تأکید تأکید کرد. دانش‌آموزان بسیاری از گرایش‌ها و ارزش‌ها را از فرهنگ حاکم بر مدرسه می‌آموزند و بر رفتار دانش‌آموزان تأثیرگذار است (۱۰). سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی باید توجه داشته باشند دانش و آگاهی خود را در زمینه اصول و معیارهای اخلاقی در آموزش بالا ببرند. از جمله چالش‌های اخلاقی در آموزش و پرورش، توجه به استانداردهای اخلاقی در برگزاری امتحانات و ارزشیابی دانش‌آموزان است. به هیچ عنوان نباید یک معلم در زمان تصحیح اوراق یا برگزاری امتحانات پایان ترم مسایل انضباطی دانش‌آموز را در نظر بگیرد و با این دید که رفتار سر کلاس و مسایل دیگری را که ممکن است در طول سال تحصیلی بین او و دانش‌آموزان به وجود آمده در ارزشیابی تحصیل دانش‌آموز به‌عنوان یک ملاک اخلاقی دخالت دهد (۳). بنابراین، سه راه اساسی برای انتقال ارزش‌های اخلاقی در مدارس وجود دارد: برنامه درسی رسمی، برنامه درسی پنهان، و تعاملات شخصی بین معلمان و دانش‌آموزان، در مجموع، همه فعالیت‌های رسمی و غیررسمی، که در مدارس و نهادهای آموزشی انجام می‌گیرد، تأثیر ضمنی خود را بر عقاید، رفتار و نگرش فراگیران می‌گذارد (۹).

مواد و روش‌ها پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش در گروه پژوهش توصیفی-زمینه‌یابی است. به منظور گردآوری اطلاعات از دو روش اسنادی (کتابخانه‌ها و پایانه‌ها، سایت‌های اینترنتی) و میدانی (توزیع و تکمیل پرسش‌نامه محقق‌ساخته) با مراجعه به منطقه مورد مطالعه و توسط افراد نمونه، اقدام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران و معلمان شاغل در آموزش و پرورش (۱۵۱۵۶ نفر) و کلیه کارشناسان و متخصصان دانشگاه‌های استان مازندران در رشته‌های زیرمجموعه رشته علوم تربیتی (۷۵ نفر) می‌باشند. حجم جامعه آماری بر اساس جدول کرجسی-مورگان در بین معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش ۳۲۰ نفر و تعداد متخصصان شاغل در دانشگاه‌های استان مازندران ۵۹ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در بخش کیفی با کمک روش دلفی و در بخش کمی شامل تحلیل عاملی از نوع اکتشافی به هدف پیدا کردن متغیرهای مکنون و تحلیل عاملی تأییدی با برازش مدل نهایی است.

جدول ۱. نمایش اندازه‌های KMO، دترمینان و آزمون کرویت بارتلت پرسش‌نامه تربیت اخلاقی

مشخصه آماری	اندازه	Df	P
دترمینان	1.25E-018	-	-
KMO	۰.۹۴۳	-	-
بارتلت	۱۱.۶۱۷.۵۹۱	۱۱۷۶	۰.۰۰۰

ارزش‌های ویژه ۳ مؤلفه استخراج شده، درصد پوشش واریانس هر مؤلفه و نیز درصدهای تراکمی آنها در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲. مشخصه‌های نهایی مؤلفه‌های استخراج شده

درصد واریانس تراکمی	درصد واریانس	ارزش ویژه	مؤلفه
۴۳/۴۸۵	۴۳/۴۸۵	۲۱/۳۰۷	۱
۵۲/۲۲۰	۸/۷۳۵	۴/۲۸۰	۲
۵۵/۸۳۰	۳/۶۱۰	۱/۷۶۹	۳

چنانچه در ارقام جدول (۲) مشاهده می‌شود، کمترین میزان ارزش ویژه برابر با ۱/۷۶۹ است که با ملاک قابل قبول پیشنهادی کیسر مطابقت دارد. در این شرایط، به اندازه ۵۵/۸۳۰ درصد کل واریانس توسط این سه مؤلفه تبیین می‌شود، و در این میان مؤلفه یکم با ارزش ویژه ۲۱/۳۰۷ در حدود ۴۳/۴۸۵ درصد واریانس کل، معادل ۷۸ درصد واریانس مشترک و در نهایت مؤلفه سوم با ارزش ویژه ۱/۷۶۹ در حدود ۳/۶۱۰ درصد کل واریانس معادل ۱۵/۴۶ درصد واریانس مشترک را توجیه می‌کند. نتایج بررسی اعتبار خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه تربیت اخلاقی دانش-آموزان در جدول (۳) ارائه شده است. به طوری که نام‌گذاری هر مؤلفه متناسب با ترکیب مفاهیم موجود در مجموعه سؤالات تأیید شده هر مؤلفه صورت پذیرفت.

جدول ۳. اعتبار خرده‌مقیاس‌های زیر مجموعه‌های پرسش‌نامه تربیت اخلاقی دانش‌آموزان

شماره عامل	مؤلفه	تعداد سؤال	اعتبار
F1	حکمت	۲۳	۰/۹۶۶
F2	نگرش	۱۶	۰/۹۳۶
F3	عقل‌گرایی	۱۰	۰/۸۹۷

بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار تربیت اخلاقی: نظر به اهداف تعریف شده پژوهش به شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان پرداخته شد. لذا بدین منظور، پس از گردآوری داده‌های مربوط به پرسش‌نامه تربیت اخلاقی نمونه‌های مشتمل بر ۳۰۰

یافته‌ها

جنسیت: ۲۸ درصد گروه نمونه را مردان و ۷۲ درصد آنها را کارشناسان زن تشکیل می‌دهد. تفاوت در تعداد گروه‌های زن و مرد احتمالاً ناشی از عدم همکاری کارشناسان، متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت، مدیران و معلمان شاغل مرد با پرسشگران بوده است.

میزان تحصیلات: بیشترین درصد کارشناسان و متخصصان، دارای تحصیلات کارشناسی با ۵۸ درصد، پس از آن کارشناسان و متخصصان با تحصیلات ارشد با ۴۰/۷ درصد و کمترین درصد کارشناسان و متخصصان دارای تحصیلات دکترا با ۱/۳ درصد کل نمونه هستند.

سنوات خدمت: بیشترین فراوانی متعلق به کارشناسان و متخصصان با سنوات خدمت ۱-۵ با ۴۴/۷ درصد سال است و پس از آن به ترتیب کارشناسان و متخصصان با سنوات خدمت ۶-۱۰ سال با ۲۳/۳ درصد، و کمترین فراوانی متعلق به کارشناسان و متخصصان با سنوات خدمت بالاتر از ۲۵ سال با ۵/۳ درصد است.

در این بخش با هدف کشف و تدوین مدل تربیت اخلاقی دانش-آموزان متوسطه، با استفاده از دو روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی به پرسش اصلی پژوهش، یعنی چه مؤلفه‌های رشد اخلاقی بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان متوسطه را تشکیل می‌دهد، پاسخ داده می‌شود.

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کیفی ابتدا بر اساس دیدگاه و نظریات مریبان تعلیم و تربیت و استخراج مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت اخلاقی از منابع معتبر نظریات در نظریات مکاتب فلسفی و آرای تربیتی استفاده شده است و سپس تحلیل محتوی بر روی آن صورت گرفته است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کمی از روش تحلیل عاملی از نوع اکتشافی استفاده گردید و هدف پیدا کردن متغیرهای مکنون با استفاده از تحلیل عامل اصلی (PC) با استفاده از ماتریس همبستگی یا کوواریانس متغیرها است و پس از استخراج نمودار اسکرین و مشخص شدن مؤلفه‌ها و بررسی همبستگی مؤلفه، و تقسیم‌بندی و نام‌گذاری مؤلفه‌های اصلی الگوی نظری از موضوع پژوهش تهیه و تدوین شده است، پس از تحلیل عاملی تأییدی برای استخراج مدل نهایی استفاده شده است. همچنین به منظور پژوهش درباره این مطلب که آیا ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست، از آزمون کرویت بارتلت استفاده می‌شود. مقصود از اجرای این

حکمت	۳۱/۳۰۷	۴۳/۴۸۵	۸۳/۸۰
نگرش	۴/۲۸۰	۸/۷۳۵	۱۱/۴۶
عقل‌گرایی	۱/۷۶۹	۳/۶۱۰	۴/۷۴
جمع	۳۷/۳۵۶	۵۵/۶۳۰	۱۰۰

در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه، «بر اساس دیدگاه‌های متخصصان و مربیان استان مازندران چه مؤلفه‌هایی بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه مؤثر است؟» و سؤال پژوهش «اهمیت هر یک از مؤلفه‌هایی تأثیر گذار چقدر است؟» چنانکه مشاهده می‌شود، مؤلفه‌های استخراج شده سه‌گانه (حکمت، نگرش و عقلانیت) از پرسش‌نامه تربیت اخلاقی دانش‌آموزان چیزی حدود ۵۶ درصد از مقوله تربیت اخلاقی دانش‌آموزان را تبیین می‌کند. البته این سطح از تبیین تربیت اخلاقی بر اساس سه مؤلفه اکتشاف شده به این معنا نیز هست که ۴۴ درصد از تغییرات تربیت اخلاقی دانش‌آموزان بر حسب سایر مؤلفه‌ها قابل تبیین هستند که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار نگرفته است که یکی از دلایل این امر می‌تواند حذف تعدادی از سؤالات پرسش‌نامه به دلیل محدودیت‌های اجرایی بوده است.

در پاسخ مبنی بر اینکه «میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌های تربیت اخلاقی کدام است؟» همان‌گونه که در نمودار (۱) ملاحظه می‌شود، حکمت با ضریبی معادل ۸۳/۸ درصد از بیشترین اهمیت برای تربیت اخلاقی برخوردار است. در حالی که عقل‌گرایی با ۴/۷ درصد دارای کمترین اهمیت است. افزون بر این، ترتیب اهمیت مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که نگرش با ۱۱/۵ درصد، در رده دوم اهمیت قرار دارد.

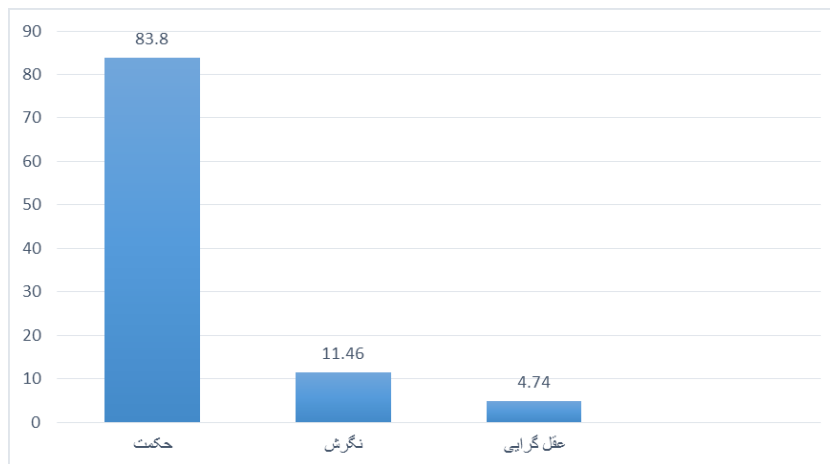
نفر از کارشناسان و متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت، مدیران و معلمان شاغل در نظام‌های آموزشی استان مازندران، سؤالات نامناسب حذف و در نهایت پرسش‌نامه تربیت اخلاقی نهایی به منظور شناسایی مؤلفه‌ها و بررسی میزان تربیت اخلاقی دانش‌آموزان مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

همچنین به منظور بررسی روایی و پاسخ به این سؤال که تربیت اخلاقی از چند عامل اشباع شده است؛ از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PC) استفاده شد. نتایج مربوط به تحلیل عاملی با چرخش متعامد و به شیوه آبلیمین، به استخراج سه مؤلفه منتهی شده که ۶۵/۸۴ درصد کوواریانس متغیرها را تبیین می‌کند. قبل از اجرای تحلیل عاملی کفایت نمونه‌برداری با استفاده از اندازه KMO و نیز رد فرض صفر مبنی بر درست بودن ماتریس همسانی در جامعه به وسیله آزمون کرویت بارتلت، به منظور تأیید امکان اجرای تحلیل عاملی، به اثبات رسید. نتایج نشان داد این مقیاس از روایی کافی برخوردار و از ۳ مؤلفه اشباع شده است و از بین سه مؤلفه اکتشاف شده؛ مؤلفه نخست دارای بیشترین بار عاملی و سهم آن نیز از سایر مؤلفه‌ها بیشتر بود.

بررسی اهمیت مؤلفه‌های تربیت اخلاقی دانش‌آموزان: به منظور تعیین اهمیت مؤلفه‌های سه‌گانه از نتایج تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج حاصل از مقادیر ویژه و درصد اهمیت مؤلفه‌ها که بر پایه تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دست آمده در جدول شماره (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴: مقادیر ویژه و درصد اهمیت مؤلفه‌های سه‌گانه تربیت مقدار اخلاقی دانش‌آموزان

مؤلفه	مقدار ویژه	% ویژه	% اهمیت
-------	------------	--------	---------



نمودار ۱. در صد اهمیت مؤلفه‌های سه‌گانه تربیت اخلاقی

یا عقل‌گرایی به مراتب بیشتر باشد، کما اینکه در مقام تحلیل حکمت به تنهایی می‌تواند بخش‌هایی از نگرش و عقل‌گرایی را نیز تبیین کرده و توضیح دهد.

میزان و درصد تربیت اخلاقی دانش‌آموزان: به منظور پاسخ به این سؤال که «میزان دیدگاه کلی متخصصان و مربیان درباره هر یک از مؤلفه‌های تربیت اخلاقی چقدر است؟» میزان و درصد دیدگاه متخصصان و مربیان در کل و در مؤلفه‌های سه‌گانه بر پایه نمره کل هر متخصص و مربی در پرسش‌نامه تربیت اخلاقی محاسبه شد. در این روش میزان تربیت اخلاقی بر اساس نمره، از طریق

این نتایج نشان می‌دهد که وزن اهمیت مؤلفه حکمت به میزان بسیار بالایی از نگرش و عقل‌گرایی بیشتر است. به نوعی می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که «تربیت اخلاقی» موثر از یک زمینه فرهنگی، تاریخی و اجتماعی است و این موضوع که خبرگان پژوهش وزن حکمت را به میزان بسیار بالاتری از دو مؤلفه دیگر برآورد می‌کنند، می‌تواند خود از نوع پرورش آنها سرچشمه گرفته باشد. حکمت واجد یک دامنه و فضای مفهومی گسترده است. حکمت ریشه در سنت دینی، فکری، تاریخی و فرهنگی کشور ایران دارد و عجیب نیست اگر برآورد وزنی آن از عناصر نگرش و

حکمت، نگرش و عقل‌گرایی بر این اساس مؤلفه‌های تأثیرگذاری در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان شمرده می‌شوند.

بیشترین تفاوت معنادار بین میانگین مشاهده شده با میانگین مورد انتظار (۱/۱۵) متعلق به مؤلفه نگرش است. مؤلفه نگرش همچنین بیشترین میزان میانگین مشاهده شده را (۴/۱۵) به خود اختصاص داده است. تأثیرگذاری مؤلفه نگرش بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان از نگاه خبرگان پژوهش با پذیرش بسیار بالایی همراه بوده است و این موضوع نشان می‌دهد با وصف اینکه وزن این مؤلفه در درجه دوم اهمیت مورد اشاره خبرگان تحقیق قرار گرفته است این وصف، درجه تأثیرگذاری آن مورد اتفاق نظر خبرگان بوده است.

- در نقطه مقابل با مؤلفه نگرش، کمترین تفاوت معنادار بین میانگین مشاهده شده با میانگین مورد انتظار (۱/۰۴) مربوط به مؤلفه حکمت است. همچنین مؤلفه حکمت کمترین میزان تفاوت میانگین مشاهده شده و مورد انتظار (۴/۰۴) را بین سه مؤلفه به خود اختصاص داده است. این موضوع تا حدودی بیانگر دامنه گسترده‌تر تفاوت در نگاه خبرگان پژوهش به تأثیرگذاری این مؤلفه بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان بوده است.

ستون آخر جدول که تحت عنوان درصد رضایت مشخص شده، بیانگر میزان درصد دیدگاه متخصصان و مربیان در مؤلفه مورد نظر است. چنانکه مشاهده می‌شود، بیشترین درصد متخصصان و مربیان مربوط به مؤلفه نگرش (۸۳ درصد) و کمترین درصد (۸۰/۸) نیز متعلق به مؤلفه حکمت است.

میانگین دیدگاه کلی متخصصان و مربیان برابر ۴/۰۹ و درصد مربوط به آن نیز برابر با ۸۱/۸ است، که نشان می‌دهد دیدگاه کلی متخصصان و مربیان در طبقه «نسبتاً زیاد» قرار دارد.

درصد دیدگاه متخصصان و مربیان بر پایه نمره تربیت اخلاقی به تفکیک مؤلفه‌ها و نمره کل در نمودار (۲) نشان داده شده است.

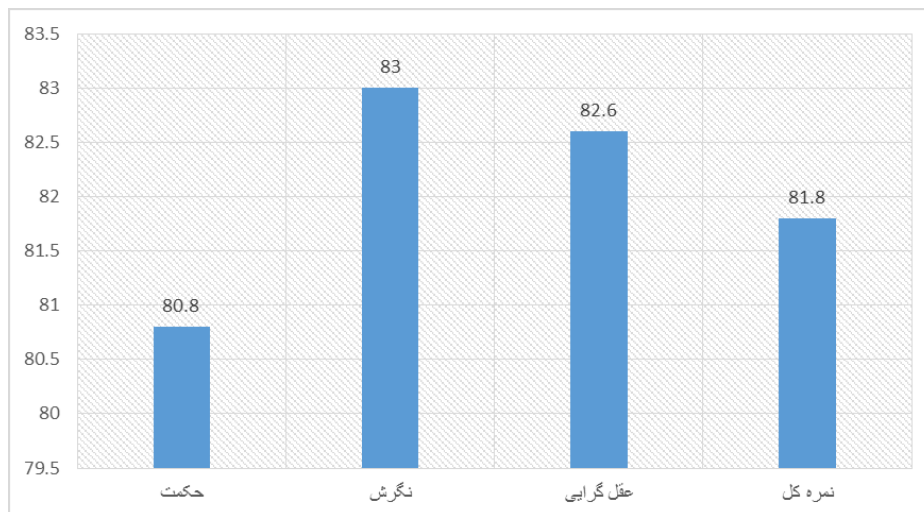
آزمون t تک‌نمونه‌ای تحلیل شد. بر پایه این روش، میانگین مشاهده شده هر یک از سه مؤلفه و نمره کل تربیت اخلاقی تعیین و با میانگین مورد انتظار (نظری) مقایسه و معنادار بودن آن از لحاظ آماری تعیین شد. با توجه به مقیاس پنج‌درجه‌ای اندازه‌گیری (از تأثیر خیلی زیاد تا تأثیر خیلی کم) در پرسش‌نامه تربیت اخلاقی، میانگین مورد انتظار برابر با ۳ خواهد بود. نتایج حاصل از این روش در جدول (۵) نشان داده شده است.

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای مقایسه میانگین مشاهده شده با میانگین مورد انتظار

متغیر	میانگین	انحراف با استاندارد	میانگین نظری	رضایت	تفاوت
حکمت	۴/۰۴	۰/۷۴	۱/۰۴	۲۴/۴۵	۸۰/۸
نگرش	۴/۱۵	۰/۶۴	۱/۱۵	۳۰/۸۷	۸۳
عقل-گرایی	۴/۱۳	۰/۶۷	۱/۱۳	۲۹/۷۰	۸۲/۶
نمره کل	۴/۰۹	۰/۶۲	۱/۰۲	۳۰/۶۳	۸۱/۸

توجه: تفاوت میانگین مشاهده شده با مورد انتظار در همه موارد در سطح $p < ۰/۰۱$ معنادار است.

گزارش یافته‌های جدول (۵) بر موارد زیر دلالت دارد: مقادیر آزمون t برای همه مؤلفه‌ها از لحاظ آماری معنادار است. به بیان دیگر، می‌توان گفت که به‌طور کلی متخصصان و مربیان در مورد همه مؤلفه‌های سه‌گانه تأثیر عوامل را زیاد می‌دانند.



نمودار ۲. درصد دیدگاه متخصصان و مربیان بر پایه نمره تربیت اخلاقی به تفکیک مؤلفه‌ها و نمره کل

مؤلفه اول با ۲۳ سؤال همبستگی قوی داشته و تحت عنوان حکمت صورت‌بندی شده است. حکمت در معنای منع و جلوگیری، در معنای اقبال و استوار نمودن امور، در معنای رسیدن به حقیقت، به وسیله علم و عقل (۱۷) و نیز در معنای وضع امور در جای مناسب خود. مفهوم حکمت دارای بنیاد استوار فکری، فلسفی و دینی-ایرانی است و بر همین اساس نیز قرار دادن آن به‌عنوان عاملی

نتیجه‌گیری

از یافته‌های این پژوهش که بر پایه طرح نمونه‌برداری و از آزمون‌های آماری مبتنی بر تحلیل عاملی و روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی است و با بهره‌مندی از پیشینه پژوهشی در خصوص مبحث تربیت اخلاقی دانش‌آموزان اجرا شده است؛ نتایج ذیل حاصل شد.

ماهیت سکولار داشته باشد، در حالی که تربیت اخلاقی آشکارا دلالت‌های مذهبی و دینی دارد.

بر اساس عوامل شناسایی شده و نیز با در نظر گرفتن ابعاد مربوط به هر عامل پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

عامل حکمت: با زنده‌سازی میراث فکری کشور با در نظر گرفتن ضرورت‌های به روزرسانی شیوه‌های آموزشی می‌تواند به ارتقای سطح این عامل در نهاد آموزش و پرورش کشور کمک کند. این مهم با آگاهی بر این موضوع که ضعف روش‌شناختی موجود در حوزه آموزش نباید به نادیده گرفتن میراث محتوایی فرهنگی کشور منجر شود، پیشنهاد می‌کند که می‌توان با بهره‌گیری از شیوه‌های تدریس و شیوه‌های آموزش به روز، محتواهای فرهنگی را بازخوانی و در قالب مدل‌های آموزشی بومی به کار بست.

حکمت یک مجموعه نظری و فکری است، جاری شدن آن در سطح نهادی نیازمند برنامه راهبردی در سطوح کلان پرورشی و نیز تقید سیاست‌گذاران به اجرای آن است. لذا پیشنهاد می‌شود که بسته‌های کاربردی اجرایی با محوریت برنامه‌ریزی حکمت‌محور هم به‌عنوان زمینه پژوهشی و هم به‌عنوان زمینه اجرایی در دستور کار پژوهشگران و نهادهای ذی‌ربط قرار بگیرد.

به‌منظور درگیر کردن کلیه سطوح آموزشی کشور در فرآیند ذکر شده در مورد دوم پیشنهادهای کاربردی پیشنهاد می‌شود تا برنامه‌های اجرایی در سطوح مدارس با عناوین ویژه‌ای که بیانگر ماهیت طرح اجرایی باشد به اجرا گذاشته شود.

همسو با پیشنهاد سوم می‌توان «حکمت‌محوری» را به‌عنوان یک شاخص در برنامه‌ها و جشنواره‌های کشوری همچون خوارزمی قرار داد و برای آن تعریف مسأله کرده و از ایده‌های اجرایی مناسب در سطح نهادهای کلان کشور حمایت کرد.

عامل نگرش: نگرش یک مقوله در سطوح فردی‌تر است و لذا این امکان فراهم است که دوره‌های ضمن خدمت کارکنان و نیز به‌طور مجزا دوره‌های آموزشی در سطح مدارس برای آن طراحی و اجرا شود.

در راستای پیشنهاد اول در این حوزه، ضرورت دارد این موضوع در نظر گرفته شود که فرم اجرایی مناسب و به روز شده برای محتوای نگرشی مناسب و قابل انتقال در نظر گرفته شود. چرا که هم‌اکنون نیز بسیاری از محتواهای آموزشی به نظر برای توسعه این عامل تجهیز شده‌اند و اگر هنوز در این زمینه ضعف وجود دارد، نشان می‌دهد که قالب مناسب اجرایی برای آن طراحی نشده است.

طراحی متناسب با محتوا می‌تواند در دستور کار مشاوران آموزش و پژوهشگران حوزه روان‌شناسی تربیتی قرار بگیرد و همان‌گونه که دوره‌های آموزشی ویژه‌ای همچون دوره‌های مهارت زندگی، یا هوش هیجانی و سازگاری و غیره در قالب‌های آزموده شده اجرایی می‌شوند، در این زمینه نیز دستورالعمل‌های ویژه‌ای طراحی، اجرا و کاربرد و تأثیر آنها مورد آزمون قرار گرفته و پس از تعدیل و اصلاح و ارزیابی در دستور کار اجرایی در سطح مدارس، نهاد آموزش و پرورش و برنامه‌های ضمن خدمت قرار بگیرد که شمول آن جامعه هدف را هم در سطح دانش‌آموزان و هم در سطح مربیان در برگیرد.

عامل عقلانیت: عقلانیت نیز در سطوح میانه و کلان و خرد به‌منظور ارائه برنامه‌های اجرایی قابل پیاده‌سازی است. یکی از مواردی که به‌نظر ضروری می‌رسد، با در نظر گرفتن بستر فرهنگی ویژه‌ای که در کشور ایران وجود دارد، تعمق در زمینه هماهنگ‌سازی جامعه‌پذیری در سطح خانواده، مدرسه و نهادهایی همچون دانشگاه‌های تربیت معلم و مساجد است. هماهنگ‌سازی الگوهای جامعه‌پذیری افراد (چه معلمان و مربیان در قالب جامعه‌پذیری

تبیین‌کننده در الگوی تربیت اخلاقی در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن پشتوانه نظری و مفهومی که دارد، می‌تواند راه‌گشا باشد.

شناسایی این عامل به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های نظری تربیت اخلاقی با پژوهش میلر (۱۳) که به برنامه درسی کل‌گرا اشاره می‌کند، به شکلی بسیار محدود اما هم‌سنخ با عامل «حکمت» در پژوهش حاضر قرار دارد. حکمت واجد پیشینه‌ای در فلسفه، عرفان و اخلاق اسلامی است. در مدل کلبرگ به مراحل اخلاق مبتنی بر میناق اجتماعی و بر اساس اصول جهانی اشاره دارد (۱۸) حال آنکه حکمت در رساله حاضر سرچشمه و منبع هنجاری اخلاق و فضایل اخلاقی است. از این حیث نوع معنویت‌گرایی در این عامل با آنچه تحت عنوان یکی از گرایش‌های نظری به معنویت در انسان مدرن غربی در پژوهش باغلی (۱۹) شناسایی شده است که در آن، فهم دین از دایره عقلانیت خارج شده، سنخیت بیشتری نسبت به مدل فکری معنویت‌گرایی سکولار دارد. شناسایی و صورت‌بندی این عامل در رساله حاضر با پژوهش میلر (۱۳) که نسبت میان آموزش رسمی و دینی را در برنامه‌های آموزشی بررسی و ضرورت توجه به عناصر پرورش دینی را در آموزش رسمی متذکر شده است و در داخل نیز با پژوهش‌های حسنی (۱۱) و رحیمی (۹) همسو است، همخوانی دارد. عامل دوم با ۱۶ سؤال همبستگی قوی دارد و بیانگر نگرش است. افراد بهنجار و سازگار اطمینان کافی دارند که می‌توانند رفتار خود را کنترل کنند و در برخورد با مسائل ثبات عقلی دارند. تمایل مستمر در هدایت‌پذیری و رشد کردن به سوی کمال دارند. نگرش‌های قوی‌تر، پایدارترند و بیشتر احتمال دارد رفتارها را پیش‌بینی کنند. «نگرش» به‌عنوان یک مؤلفه اکتشاف شده در تربیت اخلاقی و در رساله حاضر می‌تواند به‌عنوان یک ساخت کلی مورد خوانش قرار گیرد. یعنی می‌توان همسو با تحقیقاتی همچون پژوهش حسنی (۱۱) به‌عنوان یک عامل برای به رسمیت شناختن تنوع و تکثر و تأثیرات آن بر رفتار و تربیت اخلاقی در نظر گرفت و هم اینکه به‌عنوان ترسیم چهارچوبی شناختی، عاطفی و رفتاری منبعث از دین و یا سایر مراجع اخلاقی همسو با نتایج پژوهش کهنوجی (۶)، حسنی (۱۱) و آشکارتر از همه سلحشوری (۴) که در آن غایت تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و غایت تربیت معنوی، تربیت دینی معرفی شده است، از آن استفاده کرد. با در نظر گرفتن جمیع جوانب می‌توان دید بسیاری از اصول اخلاقی در محتوا بیش از آنکه در اختلاف با همدیگر به سر ببرند و جوه تشابه بسیار بیشتری دارند و البته در پژوهش یارمحمدیان و همکاران (۱۲) نیز به این موضوع اشاره شده است.

عامل سوم با ۱۰ سؤال همبستگی قوی دارد و عقل‌گرایی را نشان می‌دهد. این‌گونه افراد در برخورد با مسایل دارای ثبات عقلی هستند، عقلانی و استدلالی مسائل را حل می‌کنند، در کارها هوشمندی و بینش از خود نشان می‌دهند. دلیل کافی و مستدل عقلی نسبت به مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی دارند. «عقل‌گرایی» به‌عنوان یک عامل اکتشاف شده در مدل نظری تربیت اخلاقی، توانایی استنباط واقع‌گرایانه از نتیجه اعمال اخلاقی است. عقل‌گرایی را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل مهم تربیت اخلاقی قلمداد کرد. عقل‌گرایی ناظر بر توانمندی و مؤید مسئولیت‌پذیری اخلاقی است. از این حیث که عقل‌گرایی یکی از مؤلفه‌های قوام‌بخش و تشکیل‌دهنده تربیت اخلاقی است، نتایج پژوهش میلر و همکارانش (۱۳) که در آن به عقل و عقلانیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تربیت معنوی و اخلاقی اشاره شده است، همسو است. هم بروک (۱۵) در پژوهش خود اشاره کرده است، می‌توان قائل به تفاوت بین این دو شد و پذیرفت که تربیت معنوی الزاماً دینی نیست و می‌تواند

9. Rahimi H, Shekari A, Farba M. The pathology of moral education from the perspective of the hidden curriculum. *Journal of Ethics*. 2014; 15 (4): 177-204.
10. Jamali Zadeh, H. Identifying and classifying the ethical teachings and concepts of elementary school textbooks. Kerman Research Council and Education Organization. 2006.
11. Hassani, M. investigating the approach of moral education in the formal and general education system of primary school. *Scientific-Research Quarterly of Islamic Education*. 2016; (22): 25-51.
12. Yarmohammadian MH, Foroughi Abri AA, Mirshah Jafari I, Ojijenejad AR. Comparative study of spiritual education approaches according to the components of the curriculum in several countries of the world. *Quarterly Journal of New Approach in Educational Management*. 2012;1 (3)..
13. Miller G. Education and the soul. Toward a spiritual curriculum. Translated by nader Quli Ghoorchian. Tehran: publication of thinking metacognition. 2010.
14. Neher A. Maslow's theory of motivation: A critique. *Journal of humanistic psychology*. 2008; 31:89-112.
15. Heim Brock H. beyond secularization: Experiences of the sacred in Education. *journal of moral Education*. 2004;5:162-71..
16. Beheshti A. Raising a child in today's world. Islamic Propaganda Office, third edition, 1998, p. 184.
17. Ragheb Isfahani AQ, Muhammad H. The contents of the words of the Qur'an. Qom: Ismaili Press Institute.
18. Mansour M. Genetic Psychology (Psychological Transformation from Birth to Aging), Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books. 1999.
19. Baghfoli H. Criticism on the religious Education methods Mashhad: publications of Astan ghods razavi, 2010.

حرفه‌ای و چه دانش‌آموزان) که با استفاده از نهاد رسانه‌های جمعی قابل اجراست، می‌تواند تا حد زیادی به این مسأله کمک کند. اگرچه باید در نظر داشت که چنین راه‌کاری در سطوح کلان اجرایی قابل بحث است.

برگزاری دوره‌ها و آموزش مهارت‌هایی که تفکر انتقادی و تفکر عقلانی را تقویت می‌کند، هم در سطح مریبان و هم در سطح دانش‌آموزان می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد. خوشبختانه تفکر عقلانی نیز یک زمینه قابل ارتقا است.

References

1. Soleimanpour J. Curriculum planning with emphasis on content and content analysis, Tehran: Ahsan Publications. 2007.
2. Mesbah Yazdi MT. Advices of Imam Sadegh (AS) to the honest travelers of Tehran: Publication of Imam Khomeini Institute of Education and Research Publishing House, 2004.
3. Shamli AA, Maleki H, Kazemi HR. Curriculum for Achieving Moral Education, Tehran. *Quarterly Journal of Islam and Educational Research*. 2011; 2 (3): 17.
4. Salhshour A. Stages of moral development from the perspective of Imam Ali (AS). *Nahj al-Balagheh Research Quarterly*. 2013;3 (1): 16-26..
5. Imani M, Vajdani F, Akbarian R, Sadeghzadeh Ghamsari A. Intellectual foundations of ethics in Allameh Tabatabai's theory and educational principles based on it, research on Islamic education issues, twentieth year, new period, number 15, summer 2012: 27-9. 2012.
6. Kahnooji M. Analysis of the dimensions of moral education in the behavior of faculty members. *Iranian Quarterly Journal of Ethics and Medical History*. 2015;6 (8): 83..
7. Karimzadeh K. A comparative study of the relationship between the characteristics of moral education and the components of self-perception in normal and troubled adolescents. *Islamic Education Quarterly*. 2008;6 (3): 123-60..
8. Salmani Mahini S. Character Approach in Moral Education, New Approaches in Moral Education, by Hassani, Mohammad et al., Tehran, Madrasa Publications. 2015.